

تبیین رابطه اخلاق و سیاست و تأثیر آن بر کارآمدی در اندیشه امام خمینی(ره)

حمزه عالمی چراغعلی*

چکیده

درهم‌تنیدگی اخلاق و سیاست در اندیشه متفکران مسلمان و از جمله در اندیشه امام خمینی(ره) و از آن طرف نقش بنیادین اخلاق در شکل‌دهی به رفتار انسان و سرمایه انسانی به‌عنوان مهم‌ترین رکن یک سازمان، موضوع رابطه اخلاق و سیاست و تأثیر آن بر کارآمدی یک نظام سیاسی را به موضوعی مهم تبدیل می‌کند. بر این اساس در پژوهش حاضر بعد از تبیین رابطه اخلاق و سیاست در دیدگاه امام خمینی(ره)، تأثیر این موضوع بر کارآمدی در دیدگاه‌های ایشان مورد تحقیق قرار گرفت. نتایج حاصل بیانگر این است که بر مبنای دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره) سیستم سیاسی با نگاهی گشوده نسبت به خواسته‌ها و تقاضاهای جامعه، آن‌ها را بر مبنای یک سیاست اخلاقی مهذب و با نگاه به ارزش‌های حاکم و در جهت خیر و مصلحت عمومی به سیاست‌گذاری تبدیل می‌کند. این رویکرد هم به ثبات و پایداری نظام سیاسی می‌انديشد و هم به خواسته‌ها و تقاضاهای جامعه. تأکید بر تهذیب نفس کارگزاران سیاسی و تأثیر بنیادین این موضوع بر اعتماد به نفس، سیستم را به سوی خودجوشی و فعالیت درون‌زا سوق می‌دهد و این

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی(ره)، قم، ایران (hz.alemi@gmail.com)

وضعیت بار دیگر پایداری و مردم‌داری را بیشتر تقویت می‌کند. در این فرایند، علاوه بر تأکیدات اخلاقی، نقش قانون و نظارت‌های قانونی و همچنین امر به مسئولیت‌پذیری و انتقادپذیری کارگزاران سیاسی و نظارت همگانی مردم بر قدرت، سازوکارهایی برای نگاه‌داشتن سیستم در مسیر درست و جلوگیری از بروز فساد، به معنای منفعت‌طلبی کارگزاران سیاسی - هستند. مجموع این شرایط کارآمدی نظام سیاسی را در سه حوزه دریافت تقاضاهای جامعه، پردازش و سیاست‌گذاری افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، سیاست، کارآمدی، مردم‌داری، مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی، خیر عمومی.

بیان مسئله

مجموعه ویژگی‌های درونی و رفتاری انسان که در دانش اخلاق مورد بحث قرار می‌گیرد، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در دستیابی یک نظام سیاسی به اهداف خود دارد. در این جهت رابطه ویژگی‌های فردی، بینش‌ها و نگرش‌های افراد با کارآمدی^۱ مسئله‌ای قابل طرح است. ویژگی‌های فردی را می‌توان با رویکردهای مختلفی مورد بررسی قرار داد، اما در این میان، رویکرد اخلاقی از منظر نقش بنیادین خلیقات در شکل‌دهی به رفتار انسان اهمیت خاص خود را دارد. اخلاق تنها معطوف به ساحت فردی نیست، چه این‌که امام خمینی(ره) اخلاق را در ساحت اجتماع و سیاست معنادار و ارزشمند دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۴۵). این نوع نگرش به اخلاق، آن را به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار در ساحت اجتماع و سیاست مطرح می‌کند و موضوع سیاست اخلاقی و تأثیر آن بر دیگر عناصر حکمرانی همچون موضوع کارآمدی را به بحث می‌کشد.

کارآمدی که به دلیل اهمیت اساسی‌اش، به‌عنوان «مشروعیت ثانویه^۲» یک نظام سیاسی قلمداد می‌گردد، همواره ضرورتی مهم برای جمهوری اسلامی ایران تلقی شده و در این میان با توجه به نقش مبنایی اخلاق انسانی در موفقیت هر سیستم و سازمان خرد و کلان، رابطه اخلاق و کارآمدی یک موضوع قابل بررسی دانسته می‌شود. در اندیشه امام خمینی(ره)، هم اخلاق در مقامی بسیار بالا و به‌عنوان یک اصل اساسی در موفقیت مورد توجه و تذکر قرار گرفته است و

1. Effectiveness

2. Secondary Legitimacy

هم ضرورت موفقیت جمهوری اسلامی در دستیابی به اهداف خود، دغدغهایی دائمی برای معظم‌له بوده است. به این ترتیب اخلاق و کارآمدی در اندیشه امام خمینی(ره) در پیوند با یکدیگر قرار داشته و می‌توان چستی و چگونگی این پیوند را با هدف تقویت کارآمدی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داد. در این جهت پژوهش پیش‌رو ابتدا به تبیین اخلاق و رابطه آن با سیاست در اندیشه امام خمینی(ره) می‌پردازد و سپس با بررسی شاخص‌های کارآمدی، تأثیر سیاست اخلاقی بر کارآمدی را با تبیین اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) بحث می‌کند.

رابطه اخلاق و کارآمدی در اندیشه امام خمینی(ره) چندان به صورت مستقل بررسی نشده است. در زمینه چستی اخلاق در اندیشه امام خمینی(ره) و آموزه‌های اخلاقی ایشان، آثار مختلفی نوشته شده، اما از آنجا که اخلاق در اندیشه ایشان پیوند عمیقی با سیاست دارد؛ بنابراین باید به آن دسته از آثاری که اخلاق را با این رویکرد بررسی کرده‌اند، توجه کرد. کتاب‌هایی همچون: *رابطه سیاست و اخلاق در اندیشه امام خمینی* (جمشیدی و توکلی، ۱۳۹۸)، *امام، اخلاق، سیاست* (اسلامی، ۱۳۸۱)، *اخلاق سیاسی* (امام خمینی و مفاهیم اخلاقی) (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶) و مقاله «نظام اخلاق سیاسی امام خمینی(ره)» (نجف لک‌زایی و رضا، ۱۳۹۲: ۴۹-۷۲) به تبیین رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره) پرداخته‌اند، اما وارد بحث کارآمدی نشده و بنابراین تحقیق پیش‌رو وجه تمایز مهمی با آن‌ها دارد.

کارآمدی در اندیشه امام خمینی(ره) نیز موضوع برخی پژوهش‌ها بوده است. مقاله «شاخص‌های کارآمدی دولت در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی» از این جمله است که با روش داده‌بنیاد سعی کرده بر مبنای اندیشه‌های امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، الگویی از کارآمدی برای دولت اسلامی ارائه کند (بهروزی لک و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۷-۱۲۸). در این پژوهش رابطه اخلاق و سیاست مورد توجه قرار نگرفته است و با موضوع این مقاله تفاوت دارد. مقاله «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی(ره)» نیز هرچند تلاش قابل توجهی در استخراج شاخص‌های و مکانیسم کارآمدی از دیدگاه امام خمینی(ره) انجام داده است، اما این موضوع را از منظر آموزه‌های اخلاقی و سیاست اخلاقی بررسی نمی‌کند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۷۷).

در این میان تنها مقاله «نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی جمهوری اسلامی ایران»، از جمله مقالاتی بوده که به موضوع این پژوهش نزدیک است. این مقاله هرچند سعی کرده مؤلفه‌های کارآمدی را مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی امام خمینی (ره) احصاء کند، اما اخلاق و به‌ویژه درهم‌تنیدگی آن با سیاست در اندیشه امام خمینی (ره) را چندان بحث نکرده و تبیین نظری روشنی از کارآمدی ارائه نکرده است، (لک‌زایی، ۱۴۰۰: ۱۰۷-۱۲۵) درحالی‌که تحقیق پیش‌رو با تبیین اخلاق و رابطه آن با سیاست و تبیین نظری کارآمدی، از مقاله مذکور متمایز می‌شود.

از منظر روش پژوهش و شیوه انجام این تحقیق، آنچه در گام اول ضرورت دارد، تبیین سیاست اخلاقی موجود در دیدگاه امام خمینی (ره) و نیز تبیین کارآمدی و رابطه آن با اخلاق است. بعد از این گام، این مفاهیم و موضوعات در آثار و بیانات امام خمینی (ره)، تا آنجا که به کفایت معنایی ختم شود، مورد جستجو و استخراج قرار می‌گیرد و این مرحله با مراجعه مستقیم به بسیاری از آثار امام خمینی (ره) و نیز استفاده از موتور جستجوگر پرتال امام خمینی (ره) (<http://www.imam-khomeini.ir/fa>) مقدور است. فیش‌های حاصل از این جستجوها بر مبنای سیاست اخلاقی موردنظر امام خمینی (ره) و چارچوب نظری حاصل از نظریه‌های کارآمدی مورد تأمل و تفسیر قرار گرفته و در نهایت چگونگی تأثیرگذاری سیاست اخلاقی در دیدگاه امام خمینی (ره) بر موضوع کارآمدی در محورهای مختلفی بحث می‌شود. کارآمدی مفهومی است که در بیانات امام خمینی (ره) به‌صراحت از آن یاد نشده است، اما در پژوهش حاضر بعد از تبیین رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی (ره) و از آن طرف تحلیل چیستی کارآمدی و رابطه آن با اخلاق، این دو موضوع در مواجهه با یکدیگر، زمینه استنباط تأثیر سیاست اخلاقی امام خمینی (ره) بر کارآمدی را فراهم کرده است. در جریان این استنباط، استناد به فرازهای مختلفی از دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، نتایج مورد نظر را در چارچوب و افق دیدگاه‌های ایشان تعریف می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

اخلاق در اندیشه متفکران مسلمان و همچنین در اندیشه فلاسفه کلاسیک، بر حالتی نفسانی اشاره دارد که سبب رفتار درست در فرد می‌شود. اخلاق که از ریشه خُلُق گرفته شده، در تعریف متفکران چنین آمده است:

خُلُق صورت باطنی و خُلُق صورت ظاهری است. خُلُق انسان همان هیئت و قیافه ثابت نفسانی انسان است که به آسانی و بدون تفکر باعث صدور افعال انسان می‌شود. اگر افعال صادر شده شرعا و عقلا پسندیده باشند، این هیئت را خُلُق نیکو و اگر زشت و ناپسند باشد، خُلُق بد می‌گویند (سُبْر، ۱۳۷۴: ۳۱).

در اینجا منظور از بی‌نیازی به تفکر و اندیشه، به این معناست که فضایل اخلاقی تا آنجا در انسان نهادینه شده است که به یک ویژگی پایدار و اثربخش (ملکه) در نفس انسان درآمده و موجب صدور فعل و رفتار در انسان می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۴)

مفهوم اخلاق از مفاهیم نزدیک به خود همچون «خلقیات»، «ادب» و «تربیت» متمایز می‌شود. خلقیات تجسم اخلاق در رفتار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۳) و وابسته به اخلاق محسوب می‌شود. مفهوم «تربیت» نیز با اخلاق متفاوت است. تربیت به معنای فراهم کردن شرایطی برای اصلاح مسائل اخلاقی است. علامه نراقی در مقابل دیدگاه‌هایی که زایل شدن یا زایل نشدن ویژگی-های اخلاقی را مطلق تعریف می‌کنند، معتقد است بعضی یا اکثر ویژگی‌های اخلاقی قابل تبدیل است، چرا که در غیر این صورت سیاسیات و شرایع بی‌معنی بود و فراهم کردن زمینه اصلاح این ویژگی‌ها تربیت نامیده می‌شود (نراقی، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۴) و چنان‌که روشن است در تربیت فرد متغیرهای مختلفی همچون وراثت، خانواده، فرهنگ عمومی، دوستان و ... تأثیرگذار هستند و از اینجا رابطه سیاست با اخلاق ظاهر می‌گردد که در ادامه به آن می‌پردازیم. اخلاق همچنین از مفهوم «ادب» متمایز می‌شود. طبق تفسیر علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۲۰ سوره مائده، آداب عبارت است از هیأت‌های زیبای گوناگون مشروع دینی و یا عقلی، که اعمال صادر از آدمی بدان متصف می‌شوند. آداب ناشی از اخلاق است و در رفتار تجلی می‌یابد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۶: ۴۰۵-۴۰۶).

در نزد فلاسفه کلاسیک نیز اخلاق به معنای Ethics بر صفات درونی فرد اشاره دارد، در حالی که در دوره مدرن اخلاق به معنای Morality درآمده و بیشتر بر رفتار فرد اشاره می‌کند. استوارت گوردون^۱ اخلاق کلاسیک و مدرن را در شاخص‌های متعددی مقایسه کرده که برخی از آن‌ها در ذیل آمده است (Gordon, 2013, in: <https://iep.utm.edu/modern-morality-ancient-ethics>).

ردیف	معیار مقایسه	اخلاق کلاسیک	اخلاق مدرن
۱	سؤال اساسی	زندگی خوب چیست؟ سعادت ^۱ و شکوفایی انسان ^۲ در چیست؟	من چه باید بکنم؟
۲	مفاهیم مرکزی	فضایل: خیر (خوبی) ^۳ ، ممتاز بودن ^۴ ، هنر سخنوری ^۵	هنجارها ^۶ ؛ نقش‌ها ^۷ ، وظایف ^۸ ، تعهدات ^۹
۳	معنای عقلانی بودن	بینش زمینه‌مند ^{۱۰} و تصمیم‌ساز ^{۱۱}	-
۴	اهداف کنش انسانی	اهداف قصدمند ^{۱۲} مانند تفکر ^{۱۳} ، سعادت و خوشی ^{۱۴}	اهداف توسط مردم (افکار عمومی) تعریف می‌شود نه خدا و نه طبیعت
۵	فرد یا جامعه	فرد در پیوند با جامعه	جدایی فرد و جامعه

ماده اصلی قرابت معنایی اخلاق در اندیشه اسلامی با اندیشه فلاسفه کلاسیک، وجود ارزش‌هایی پیشینی است که زمینه حرکت انسان به سوی سعادت را فراهم می‌کند و سعادت نیز رشد و شکوفایی عقلانی انسان معنا می‌گردد. مبنای مشترک در این دیدگاه‌ها این است که هرگونه تحول اخلاقی وابسته به آگاهی و بصیرت است.

۲. رابطه اخلاق و سیاست

اخلاق و سیاست به‌عنوان دو عرصه مهم زندگی انسان نمی‌توانند بی‌ارتباط با یکدیگر باشند. این حال برخی معتقدند چون اخلاق معطوف به ارزش‌ها و هنجارهاست و در مقابل سیاست به

-
1. Happiness
 2. Human Flourishing
 3. Good
 4. Excellence
 5. Aretaic Language
 6. Prescriptive Notions
 7. Roles
 8. Duties
 9. Obligations
 10. Context sensitive insight
 11. Decision making
 12. Objective
 13. Thinking
 14. Pleasure (Eudaimonia)

امورات واقع و کسب منفعت می‌اندیشد، بنابراین این دو از یکدیگر جدا بوده و در نتیجه دخالت دادن امور اخلاقی در سیاست، موجب عدم دستیابی به منافع می‌شود (بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۱۹). این دیدگاه با این که بر جدایی اخلاق از سیاست تأکید می‌کند، به صورت ضمنی رابطه اخلاق و سیاست را گریزناپذیر می‌داند، چرا که تجویز همین جدایی، یک نگرش هنجاری به سیاست است و خود پیشه کردن نوعی رویکرد اخلاقی در حوزه سیاست محسوب می‌شود، بنابراین می‌توان گفت اغلب رویکردهای مختلف درباره رابطه اخلاق و سیاست، گریزی از اصل این رابطه ندارند و آنچه اهمیت دارد، نوع این رابطه است. برخی همچون ماکیاولی اخلاق را تابع سیاست می‌دانند و اخلاق را ابزاری برای کسب قدرت تعریف می‌کنند. در این دیدگاه اخلاق ماهیت ثابتی نداشته و تابع موفقیت در کسب قدرت است. رویکرد دیگری رعایت قواعد اخلاقی را در حوزه فردی می‌پذیرد و گویی به ارزش‌های ثابت اخلاقی در حوزه فردی معتقدند است، اما در حوزه سیاست بر رعایت مصالح سیاسی تأکید داشته و معتقد است یک سیاستمدار خوب می‌تواند به هنگام ضرورت به هرگونه فعل غیراخلاقی روی آورد (همان: ۲۰). در مقابل این سه رویکرد که به نوعی سیاست را بر اخلاق مسلط می‌کنند، رویکرد چهارمی وجود دارد که اخلاق و سیاست را دارای رابطه هم‌افزا و مکمل یکدیگر می‌داند. با توجه به آنچه در تعریف اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان و فلاسفه کلاسیک آمد، می‌توان اتفاق نظر این اندیشه‌ها بر پیوند و وحدت اخلاق و سیاست را دریافت.

در فلسفه سیاسی کلاسیک عقل عامل اساسی کسب فضایل است. اخلاق در اندیشه ارسطو بر مبنای غایت آن تعریف می‌شود. غایت اخلاق و بلکه غایت هر امری یودیمونیا^۱ یا سعادت است و همین غایت نیز اصل اول اخلاق محسوب می‌شود. رسیدن به سعادت در اثر ایفای نقش مطلوب جزء شریف انسان که عقل است، حاصل می‌شود. عقل در اینجا، به معنای عقل عملی یا فرونسیس^۲ است. نقطه آغاز شکل‌گیری عقل عملی عادات درست است که از طریق تربیت مناسب و خوب حاصل می‌آیند، این عادات فضیلت خُلقی را پرورش می‌دهد و سپس میل درست برانگیخته می‌شود و این سبب تصمیم و کنش درست می‌شود و به دنبال این مسیر سعادت حاصل می‌گردد. در این مسیر تربیت درست یک عنصر تعیین کننده است و تنها آنان که تربیتشان به آن‌ها خوی

1. Eudaimonia

2. Phronesis

و عادات درست را آموزش داده باشد، به سعادت می‌رسند (Reeve, 2002: 48-50). چنان‌که پیش‌تر هم گفته شد با مطرح شدن موضوع تربیت، نقش سیاست و حکومت بیشتر آشکار می‌گردد. ارسطو با ردّ تربیت خصوصی، بر تربیت عموم شهروندان توسط حکومت تأکید دارد و معتقد است «تربیت افراد باید تابع قوانین معینی باشد و دوم آنکه حکومت باید اجرای آن را برعهده گیرد» (ارسطو، ۱۳۹۰: ۴۳۲). این موضوع از آنجا برمی‌آید که در فلسفه سیاسی قدیم، سیاست با مقوله‌های «خوبی» و «عدالت» سر و کار دارد و از همین‌جا پیوند اخلاق و سیاست دیده می‌شود (اشتراوس، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۸).

در اندیشه متفکران مسلمان نیز سیاست در پیوند با اخلاق و امری غایت‌مند است و وظیفه هدایت جامعه به سوی خیر و سعادت را برعهده دارد. در اندیشه فارابی، سیاست ابزار و بستری برای رسیدن به سعادت است و سعادت همان کسب لذت‌های عقلانی است. در اندیشه ابن‌سینا نیز غایت سیاست، رسیدن به سعادت است و سعادت با شکوفایی عقل حاصل می‌شود (الفاخوری، ۱۳۸۶، ۴۳۵-۵۱۳). در تعریف امام خمینی (ره) از سیاست، دو مفهوم هدایت و مصلحت جامعه از عناصر اصلی محسوب می‌شوند. به بیان ایشان:

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۳۲).

به این ترتیب میان اخلاق و سیاست در اندیشه متفکران مسلمان و فلاسفه کلاسیک فاصله‌ای وجود ندارد و غایت هر دو رسیدن به سعادت است (الفاخوری، ۱۳۸۶: ۴۳۲). این موضوعی است که با تبیین آن در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تضمّنات خاصی را در حوزه کارآمدی ارائه می‌کند.

۳. اخلاق و رابطه آن با سیاست در اندیشه امام خمینی (ره)

تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی اهمیت بسیار زیادی در اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) داشته و در ذیل نگرش وحدت‌گرایانه ایشان به دانش‌های اسلامی تعریف می‌گردد. امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از رهروان حکمت متعالیه و به تعبیری «قهرمان اسفار اربعه»

شاهجویی، ۱۳۸۱: ۷۱-۹۶)، میان عرفان، قرآن و برهان، قائل به وحدت بودند و به تبع این دیدگاه، اخلاق و عرفان را جدا از حکمت نمی‌دانستند. حضرت امام(ره) معتقدند ادعیه، صحیفه سجادیه و قرآن خود منبع آن تفکر فلسفی است که در شرح منظومه ملاحادی وجود دارد (خمینی، ۱۳۹۴: ۳۰۲-۳۰۴). این نگرش وحدت‌گرایانه حکمت متعالیه و امام خمینی(ره) به دانش‌های اسلامی، از جمله مقدمات اساسی توجّه به سیاست است، حضرت امام(ره) معتقدند عملیاتی کردن آموزه‌های اسلامی و از جمله آموزه‌های اخلاقی و بهره‌برداری از آن‌ها جهت تعالی و کمال جامعه اسلامی، تنها با سیاست و برپایی یک نظام سیاسی ممکن است، از همین رو ایشان می‌گویند: «در اسلام احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۳۰).

بر این اساس اخلاق در دیدگاه امام خمینی(ره)، یک دانش نظری محض و یا سلوک فردی بی‌توجّه به اجتماع نیست و خلوت با خدا را در گوشه‌گیری و جدا شدن از خلق نمی‌داند و معتقدند «مراد از خلوت با خدا این است که انسان در هر امری رضای الهی را تحصیل کند و خدا را ببیند و با او وارد عمل شود و از خلایق مأیوس شده و به امر پروردگارش مأنوس گردد» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۴۵)؛ بنابراین فرد متخلّق به اخلاق اسلامی، با کنش سیاسی - اجتماعی فعال، وظیفه انتشار آموزه‌های اخلاقی در جامعه و هدایت آن به سوی کمال را برعهده دارد و این وظیفه عملیاتی نمی‌شود، مگر با پیوند اخلاق و سیاست. پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره) از انسان‌شناسی ایشان برمی‌خیزد و در مفهوم «برادری» ظهور می‌یابد (خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۷۱).

۳.۱. مبانی انسان‌شناسانه پیوند اخلاق و سیاست

انسان‌شناسی امام خمینی(ره) بحث بسیار مفصلی است و در اینجا به اختصار می‌توان گفت از دیدگاه امام خمینی(ره) انسان دارای سه نشئه دنیوی (ظاهری)، برزخی و غیبی (باطنی) است و به ترتیب حواس ظاهری، حواس باطنی و قلب، مظهر این سه نشئه تعریف شده و هر یک دارای کمال خاص خود هستند (خمینی، ۱۳۹۲ ب: ۳۸۶). اساساً از دیدگاه امام خمینی(ره) «کمال‌خواهی، ویژگی ذاتی موجودات عالم است. تمام عالم طبیعت حدوث و حرکت جوهریه دارند و همه با سیر جوهری رو به عالم کمال دارند» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۲۸). این حرکت در انسان ضروری بوده و با این‌که از دیدگاه امام خمینی(ره) برخاسته از فطرت کمال‌جوی انسان

است، اما چون فطرت انسان دارای دو بُعد «مخموره» و «محویه» است و استعداد میل به خیر و کمال مطلق، و میل به شرّ را در خود نهفته دارد (خمینی، ۱۳۹۲ ب: ۷۶-۷۷) بنابراین، برخی انسان‌ها (اهل دنیا) کمال را در لذایذ تشخیص داده‌اند و «فطرتاً متوجه آن شدند»، اما اهل آخرت که کمال را «در مقامات و درجات آخرت» دیده‌اند، به‌سوی خدا روی آورده‌اند (همان: ۱۲۷). چنین انسانی منفعل و ایستا نیست و در هر حال رو به‌سوی خیر یا شرّ دارد، از اینجا نقش تربیت و سیاست آشکار می‌گردد. به بیان امام خمینی (ره) انسان «اگر در تحت تأثیر مربی و معلمی واقع نشود، پس از رسیدن به حد رشد و بلوغ یک حیوان عجیب و غریبی شود که در هر یک از شئون مذکوره گوی سبقت از سایر حیوانات و شیاطین ببرد» (همان: ۱۶۸). تربیت انسان نیازمند برنامه و سازوکاری برای اجرای آن برنامه است و این سازوکار همان حکومت دینی است. این موضوع بر این فرض بنا شده است که اسلام در همه حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی صاحب‌نظر و دارای قوانین و احکام است. اساساً یکی از مبانی استدلالی حضرت امام (ره) در زمینه ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، همین جامعیت اسلام است که انسان را به‌عنوان یک موجود چندبُعدی می‌تواند هدایت کند و زمینه رشد او در همه ابعاد (طبیعی، برزخی، عقلانی و روحانی) فراهم نماید (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۸). در اینجا از دیدگاه امام خمینی (ره) شرط اصلی و مقدماتی در تشکیل حکومت اسلامی تهذیب نفس است. به بیان امام خمینی (ره) «اگر چنانچه ما خودمان، خودمان را اصلاح نکنیم و قوانین اسلام را در خودمان اجرا نکنیم، نمی‌توانیم یک حکومت اسلامی تشکیل بدهیم» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۸۴). اصلاح خویشتن و تهذیب نفس با اقامه دین توسط حکومت اسلامی، در یک پیوند متقابل و هم‌افزا قرار می‌گیرد و منجر به اخوت و برادری در حوزه اجتماع و سیاست می‌شود.

۳.۲. تجلی رابطه اخلاق و سیاست در مفهوم برادری

در اندیشه امام خمینی (ره) مهم‌ترین منزلگاه و موقعیتی که پیوند اخلاق و سیاست عینیت می‌یابد و بر این اساس زمینه حرکت جامعه به سوی پیشرفت و سعادت فراهم می‌شود، مفهوم «برادری» است. مفهوم برادری از مهم‌ترین و پرتکرارترین مفاهیمی است که وقتی حضرت امام پیوند اخلاق و سیاست را اراده می‌کنند، به کار گرفته می‌شود. ایشان از یک‌سو برادری را زمینه‌ساز تصفیه و

تزکیه نفس می‌دانند و می‌گویند: «اخوت ایمانیه و مودت اسلامیّه از مبادی و بلکه امّهات حصول صفای باطن و تصفیه و تزکیه نفس است» (خمینی، ۱۳۹۲، الف: ۷۱) و به این ترتیب اجتماع مبتنی بر برادری را زمینه‌ساز رشد اخلاقی می‌دانند و از سوی دیگر برادری را زمینه‌ساز قوی شدن و مقابله با دشمن می‌دانند و در این باره می‌گویند: «اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن باشند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۸۸).

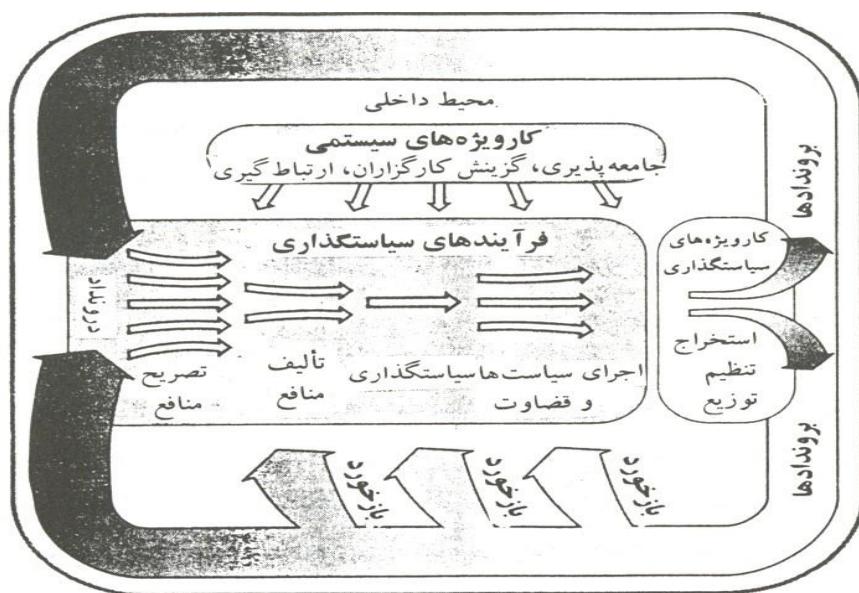
به این ترتیب برادری هم زمینه و بستر رشد فضایل اخلاقی است و هم سبب هم‌افزایی نیروهای سیاسی و ترجیح منافع جمعی بر فردی می‌شود و هم منجر به تولید قدرت برای جوامع اسلامی شده و پیروزی آنان بر دشمنان را میسر می‌گرداند؛ بنابراین وضعیت مخالف این موضوع، یعنی تفرقه و اختلاف یکی از مهم‌ترین خطراتی است که امام خمینی نسبت به آن هشدار داده و بر این اساس رذیله غیبت که سبب ایجاد تفرقه، بدگمانی و اختلاف میان مسلمین می‌شود را به شدت تقبیح می‌کنند (خمینی، ۱۳۹۲، ب: ۳۰۹-۳۱۱).

در مجموع رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره) از یک پیوند هم‌افزا با یکدیگر برخوردارند، یعنی متخلّق شدن به اخلاق پسندیده اسلامی به استواری حکومت و اعتبار یافتن حوزه سیاست منجر شده و استواری و اعتبار حکومت و سیاست توانایی آن برای نهادینه کردن فضایل اخلاقی در جامعه را افزایش می‌دهد. این رابطه هم‌افزا با مطالعه چیرستی کارآمدی و ارکان آن و سپس مواجه کردن سیاست اخلاقی حاصل از اندیشه‌های امام خمینی(ره) با کارآمدی بیشتر روشن می‌گردد.

۴. کارآمدی و تبیین سیستمی آن

هرچند تداوم حکمرانی و پایداری مشروعیت یک نظام سیاسی از آغاز دانش سیاست به صورت ضمنی با موضوع کارآمدی در ارتباط بوده، اما رابطه مثبت میان کارآمدی و مشروعیت به طور خاص در دانش سیاسی امروز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. سیمون لیپست، متی دوگان و اودائل از جمله نظریه‌پردازان جدید هستند که رابطه مثبت میان کارآمدی و مشروعیت را تأیید و تبیین کرده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۵). کارآمدی عبارت است از: توانایی، توفیق و سودمندی نظام سیاسی برای تولید کالاهای سیاسی مطلوب (Almond and Powell: 422-399). به طور کلی

یک نظام سیاسی زمانی کارآمد تلقی می‌شود که از عهده انجام کارویژه‌های خود برآید. این موضوع در نظریه سیستمی صورت روشنی به خود گرفته است. نظریه سیستمی که توسط دیوید ایستون ارائه شده، نظام سیاسی را به‌مثابه یک سیستم ترسیم می‌کند که تقاضاها و حمایت‌های جامعه را دریافت می‌کند و پس از داده‌پردازی در درون ساختار نظام سیاسی به‌صورت تصمیمات سیاسی از سیستم خارج می‌شوند و بازخورد این تصمیمات در جامعه بار دیگر از طریق تقاضاها و حمایت‌های مثبت یا منفی وارد سیستم می‌شوند (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۷). آنچه در اینجا اهمیت دارد ضرورت انطباق تصمیمات سیاسی سیستم با تقاضاها و حمایت‌هاست که سبب بازخورد مثبت شده و تعادل سیستم را افزایش می‌دهد (شکل ۴-۱).



شکل ۴-۱: کارآمدی براساس تحلیل سیستمی

منبع: (آلموند، پاول و مونت، ۱۳۷۶: ۱۳)

طبق شکل ۴-۱، در نظریه سیستمی کارویژه‌های سیستمی - شامل جامعه‌پذیری، گزینش کارگزاران، ارتباط گیری - در زمینه تغییر یا حفظ وضع موجود (نظم) نقشی تعیین کننده داشته و از این رو برای نظام سیاسی اهمیت بنیادین دارند، اما به طور مستقیم در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دخالت ندارند (آلموند، پاول و مونت، ۱۳۷۶: ۱۴)، کارویژه‌های سیاستگذاری

اما اثرات اجرای سیاست‌ها بر جامعه، اقتصاد، فرهنگ و... را بیان می‌کنند و شامل پنج توانایی (کارآیی) هستند (برتران، ۱۳۹۳: ۵۸):

۱. کارآیی استخراجی که امکان کشف منابع مادی و انسانی لازم برای تحقق اهداف نظام را فراهم می‌کند.
۲. کارآیی تنظیمی که اعمال نظارت کافی و هماهنگ سیستم بر افراد و گروه‌ها را ممکن می‌سازد.
۳. کارآیی توزیع که ناظر بر تقسیم کارها، خدمات، افتخارات و وضعیت‌های موجود در جامعه است.
۴. کارآیی نمادین (سمبولیک) که نشر ارزش‌های سمبولیک را در جامعه تضمین می‌کند و به احراز حداقل حمایت عمومی کمک می‌کند.
۵. کارآیی پاسخگویی که درجه حساسیت نظام و مهارت آن در پاسخ به تقاضاهای محیطی را نشان می‌دهد.

این کارایی‌های پنج‌گانه از آنجا اهمیت دارند که اساسی‌ترین کارویژه نظام سیاسی ایجاد نظم و تعادل و هماهنگی تمام بخش‌های زندگی اجتماعی به منظور رسیدن به نفع همگانی یا مصلحت عمومی است. از نظر آلموند و پاول، «عمل تبدیل» یعنی تبدیل خواسته‌ها به تصمیمات سیاسی، «عمل تطبیق» که سبب می‌شود نظام سیاسی خود را با تحولات جامعه هماهنگ سازد و «عمل تطابق» که عبارت از همراه ساختن پیرامون سیاسی با خود است و باعث جلوگیری از ایجاد فاصله بین نظام سیاسی و پیرامون می‌شود و همچنین باعث تأثیر مطلوب نظام بر پیرامون می‌شود، نتایج کل کارویژه‌های یک سیستم سیاسی هستند.

با توجه به آنچه گفته شد نظریه سیستمی تصویر روشنی از فرایند (سازوکار) ایجاد کارآمدی در یک نظام سیاسی ارائه می‌کند، اما از آنجا که این نظریه برخاسته از رویکردهای اثبات‌گرایانه و تجربی است، توجهی به ماهیت ارزشی کارویژه‌های یک نظام سیاسی ندارد (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۳)، اما در این پژوهش که پیوند اخلاق و سیاست مبنایی اساسی است، از نظریه سیستمی بیشتر در مقام یک فرایند می‌توان استفاده کرد و باید به رابطه اخلاق و کارآمدی توجه داشت.

۵. کارآمدی و اخلاق

مطالعه نوع اخلاق در اندیشه متفکران مسلمان و امام خمینی(ره) و درهم‌تنیدگی آن با سیاست، این موضوع را تأیید می‌کند که نوع اخلاق نخبگان و کارگزاران سیاسی رابطه مستقیمی با افزایش یا کاهش کارآمدی دارد. مفهوم کارآمدی هرچند کمتر از یک سده است در ادبیات سیاسی دنیا مطرح شده، اما از منظر پیوند اخلاق و سیاست اگر به این موضوع بنگریم، می‌توان ریشه‌های آن را در اندیشه سیاسی دوران قدیم جستجو کرد. به‌عنوان مثال راهکارهایی که ارسطو در کتاب سیاست برای جلوگیری از انقلاب در یک کشور ارائه می‌کند، همانند پرهیز دولت‌ها از اعمال خلاف قانون، جلوگیری از اختلاف میان فرمانروایان، حفظ نظام پولی و اقتصادی کشور، جلوگیری از ظلم توانگران به تهی‌دستان، پیشگیری از اختلاس و به‌ویژه رعایت میانه‌روی و ... (ارسطو، ۱۳۹۰: ۳۰۶-۲۹۷) ضمن این‌که بیانگر اهمیت کارآمدی و نقش آن در جلوگیری از فروپاشی یک نظام سیاسی است، این موضوع را با رویکردی اخلاقی به سیاست دنبال می‌کند.^۱

در سنت فرهنگی و سیاسی ایران نیز گاه کارآمدی با رویکردی اخلاقی نگریسته شده است. مجموعه‌های «نصیحة‌الملوک»، خطاب به امرا و شاهان با هدف تأمین رضایت مردم و استواری حکومت حاکم نوشته می‌شده که می‌توان آن‌ها را تلاش‌هایی جهت افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی تلقی کرد و نکته مهم این‌که بخش قابل توجهی از این اندرزاها با رویکردی اخلاقی و بر مبنای رابطه اخلاق و سیاست نوشته شده و اساساً هدف این بوده که با استفاده از اخلاق به تقویت کارآمدی یک نظام سیاسی پرداخته شود. این نوشته‌ها به حاکم آموزش می‌دهد که با به‌کار بستن رفتار اخلاقی که فضیلت دادگری و عدالت را در کانون توجه دارد، جامعه تحت فرمان خود را وحدت و انسجام بخشد و مردم را به‌سوی خیر و صلاح همگانی رهنمون کند (دوفوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۴۸۴). سیاست‌نامه خواجه نظام الملک از این جمله نوشته‌های مشهور است که خطاب به ملک‌شاه سلجوقی، به توصیه و نصیحت ملک می‌پردازد و فصولی را به رعایت عدالت توسط پادشاه، عدم ظلم به رعایا، مراقبت از اعمال وزیران و دبیران و سایر کارگزاران حاکم و ... اختصاص داده

۱. آنچه در اینجا آمد به‌معنای نگرش اخلاق‌گرایانه‌ی مطلق ارسطو به سیاست نیست و از جمله او با نگرشی واقع‌گرایانه در بیان راه‌های حفظ حکومت‌های ستمگر نیز سخن می‌گوید، اما روشن است که راه ستمگری را نامطلوب می‌داند (ارسطو، ۱۳۹۰: ۳۲۲-۳۲۷).

که مضمون اصلی همه آن‌ها رعایت فضایل و از این طریق تحکیم و تثبیت حکمرانی است (ر.ک: نظام الملک، ۱۳۶۹).

رابطه اخلاق و کارآمدی، نزد اخلاق پژوهان غربی نیز مورد توجه است. جان سیولا^۱ از جمله اخلاق پژوهانی است که با تکیه بر اخلاق فضیلت‌مند میان اخلاق و کارآمدی رابطه وثیقی می‌بیند. وی توأمانی اخلاق و کارآمدی در رهبری یک سازمان را که سبب خودکنترلی و خودآگاهی می‌شود شاخص رهبری مطلوب معرفی می‌کند. او به اندیشه‌های جیمز مک گرگور برنز^۲، از جمله صاحب‌نظران علم سیاست و مدیریت، استناد می‌کند. برنز، رهبری مطلوب در یک سازمان را رهبری تحول‌گرا می‌داند که ارزش‌های غایی نظیر آزادی، عدالت و برابری را دنبال می‌کند. رهبران تحول‌گرا بی‌توجه به مردم نبوده و از آن طرف صرفاً علایق مردم را ملاک قرار نمی‌دهند، بلکه تلاش می‌کنند سطح ارزش‌ها و نیازهای مردم را ارتقا دهند و به عبارتی رویکردی تربیتی دارند. این رهبران که پیروان خود را به سطوح بالاتری از اخلاق و روحیه ارتقا می‌دهند، البته در صورتی مورد تأیید هستند که اخلاقی فضیلت‌مند پیشه کنند و افراد را به سوی بهتر شدن خودشان هدایت کنند (Ciulla, 2012: 525-537).

از مجموع آنچه درباره کارآمدی از منظر نظریه سیستمی و رابطه اخلاق و کارآمدی آمد، باید گفت کارویژه‌های سیستمی و سیاست‌گذاری در یک نظام سیاسی باید به فضایل و ارزش‌های بنیادین، یعنی خردمندی، اعتدال (خویشتن‌داری)، عدالت، آزادی، توجه به خیر و صلاح همگانی، سلامت سیاسی و دوری از فساد و تربیت متکی باشند تا برآوردن نیازهای جامعه را با معیار پرورش عقلانی آن جامعه مورد تنظیم قرار دهند. این رویکرد مبنای ارزیابی کارآمدی سیستمی را، از شاخص برآوردن صرف نیازها و تقاضاهای جامعه، به شاخص رشد و پرورش اخلاقی و عقلانی جامعه و نیز برآوردن نیازهای آنان بر مبنای این معیار تغییر می‌دهد. این بحث که ریشه در پیوند اخلاق و سیاست دارد را با توجه به سیاست اخلاقی از منظر امام خمینی(ره)، می‌توان مورد تحقیق قرار داد.

1. Joanne B. Ciulla

2. James McGregor Burns

۶. تأثیر سیاست اخلاقی بر کارآمدی در اندیشه امام خمینی(ره)

درهم‌تنیدگی اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره)، به تجویزاتی در حوزه سیاست راه می‌برد که کارآمدی را بر بنیان یک سیاست اخلاقی بنا می‌نهد. چنان‌که پیش‌تر گفته شد هرچند مفهوم کارآمدی در اندیشه امام خمینی(ره) به صراحت نیامده است و اساساً در زمانه ایشان این مفهوم چندان در ادبیات سیاسی ایران گسترش نیافته بود، اما بعد از تبیین رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه حضرت امام(ره) و شناخت چیرستی کارآمدی و رابطه آن با اخلاق، از این منظر که یک سیاست اخلاقی می‌تواند بر کارآمدی مؤثر باشد، بنابراین در اینجا به تبیین تأثیرگذاری سیاست اخلاقی امام خمینی(ره) بر کارآمدی می‌پردازیم و بر این اساس موارد ذیل را می‌توان نتیجه سیاست اخلاقی ایشان در حوزه کارآمدی بیان کرد:

۶.۱. پذیرندگی و هم‌جواری

سیاست اخلاقی حاصل از دیدگاه‌های امام خمینی(ره) و تأکید ایشان بر برادری، پذیرندگی کارگزاران سیاسی در برابر جامعه و دریافت تقاضاها و خواسته‌های مختلف را بیان می‌دارد. امام خمینی(ره) در این باره خطاب به کارگزاران سیاسی می‌گویند: «شما نمی‌توانید کارهایی که الان در ایران هست انجام بدهید، الا با هماهنگی با ملت. هماهنگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواسته‌های این‌ها» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۵۵). از دیدگاه حضرت امام(ره) یکی از راهکارهای هماهنگی با مردم، هماهنگی کارگزاران دولتی با روحانیت است، چرا که مردم روحانیون را به دلیل این‌که نمایندگان اسلام هستند، ترجیح می‌دهند و بر این اساس امام خمینی در ادامه همان بیانات فوق معتقدند هماهنگی کارگزاران دولت با روحانیت مساوی با هماهنگی با مردم است و «تفاهم بین دولت و ملت و تفاهم اساسی بین ملت و دولت وقتی است که بین روحانیت و ملت باشد» (همان: ۳۵۵-۳۵۹).

هم‌جواری کارگزاران سیاسی با مردم و پذیرش خواسته‌ها و تقاضاهای آنان و نه تسلط بر آنان برخاسته از همان سیاست اخلاقی موردنظر امام خمینی(ره) است. ایشان میان فقدان اخلاق و عدم تهذیب نفس با سلطه و غارتگری افراد حاکم رابطه مستقیمی می‌بینند و می‌گویند:

اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می‌گیرد. وقتی برای خودش به کار گرفت دولت‌های بزرگی که هستند، ابرقدرت‌هایی که هستند یک همچون آدم قدرتمندی را پیدا می‌کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می‌دهند و این را به مقام می‌رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت را بچاپد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۰-۲۱).

این بیان حضرت امام(ره) را وقتی در کنار بیانات دیگر ایشان که بر دفاع از حقوق مردم و ضرورت رفع نیازهای جامعه تأکید می‌کنند، قرار می‌دهیم، این نتیجه حاصل می‌شود که همان‌گونه که فقدان اخلاق و عدم تهذیب نفس سبب سلطه‌گری می‌شود، بی‌توجهی به مردم نیز به معنای سلطه‌گری و طاغوت است. بر این اساس می‌گویند:

به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۱۲).

قدرشناسی از مردم و تعریف محرومان به‌مثابه ولی نعمتان، به‌معنای بیان اهمیت یک عنصر اساسی در منظومه پرورش اخلاق در دامن سیاست و تهذیب سیاست با کمک اخلاق است. به‌عبارت دیگر مردم و به‌ویژه محرومان و مستضعفان به‌عنوان بستر شکل‌گیری مدنیت و سیاست دینی، هم‌زمان بستر و زمینه پرورش اخلاق و تهذیب نفس حکمرانان را فراهم می‌کنند و کارگزاران سیاسی با خدمتگزاری به مردم و محرومان است که می‌توانند از افتادن در دام غرور و منیت نجات یابند و روند تربیت و کمال خود را طی کنند. این موضوع در نامه اخلاقی - عرفانی امام خمینی فرزندان، سید احمد، وضوح بیشتری دارد، آنجا که می‌نویسند: «هیچ‌گاه در خدمت به خلق الله خود را طلبکار بدان که آنان به حق، منت بر ما دارند که وسیله خدمت به او (جل و علا) هستند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۵۷).

چنین دیدگاهی علاوه بر این که رویکردی گشوده در مقابل تقاضاها و خواسته‌های مردم دارد، از منظر کارکردی سبب می‌شود تواضع و فروتنی کارگزاران در مقابل جامعه، منجر به آگاهی بهتر و بیشتر آن‌ها از واقعیت‌ها، نیازها و تقاضاهای جامعه شود و سیستم سیاسی زمینه تطبیق

بیشتری با جامعه پیدا کند. همچنین برخی کارویژه‌های سیستمی، همچون گزینش کارگزاران مطلوب را بر معیار توجّه به افرادی که منافع عمومی را بر خصوصی ترجیح دهند و خدمت به مردم را عامل رشد اخلاقی خود بدانند، بنا می‌نهد. در اینجا مفهوم منفعت در چارچوب سیاست اخلاقی حاصل از دیدگاه‌های امام خمینی، اشاره به خیر و صلاح مردم دارد. بر این اساس بیانات فوق که عمل تبدیل خواسته‌ها به تصمیمات سیاسی را تجویز می‌کند، خیر عمومی را مبنای تصمیمات سیاسی قرار می‌دهد. خیر عمومی در اندیشه امام خمینی (ره) مساوی با همان مفهوم مصلحت است. ایشان برخورداری از قوه تشخیص مصلحت را لازمه مجتهد بودن در حوزه سیاست و اجتماع و برعهده گرفتن قدرت سیاسی دانسته (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۷۸) و فلسفه صدور احکام حکومتی و تعطیل کردن موقت احکام اولیه را، وجود مصلحت اسلام و مسلمین بیان می‌کنند. به طور خلاصه در دیدگاه حضرت امام (ره) مصلحت هم معطوف به سیستم سیاسی و هم سرنوشت مردم است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۸۱). در مجموع توضیح این بحث فراتر از حدود این مقاله است، اما پذیرش عنصر مصلحت، نقش بسیار مهمی در گسترش قابلیت و ظرفیت سیستم سیاسی با هدف حل مشکلات جامعه بر مبنای ارزش‌های حاکم دارد. مصلحت اسلام و مسلمین، عمل تبدیل خواسته‌ها به تصمیمات سیاسی درون یک سیستم را از یک عمل مکانیسمی صرف بالاتر می‌برد و کارآمدی را با اخلاق و ارزش‌های حاکم در هم می‌تند.

۲.۶. تهذیب نفس و پویای درونی سیستم

مطالعه انسان‌شناسی امام خمینی (ره) و ابتناء سیاست اخلاقی ایشان در این نوع تعریف از انسان، به معنای نقش کانونی تهذیب نفس در شکل‌گیری یک سیستم سیاسی سالم است. تهذیب نفس سبب بی‌نیازی از قدرت‌های مادی شده و زمینه آزاداندیشی را فراهم می‌کند. مبنای این دیدگاه در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، برخاسته از اهمیتی است که ایشان برای باطن انسان قائل هستند و می‌گویند: «اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۳۰۶).

این نقش محوری باطن و روح انسانی زمینه وابستگی یا استقلال یک سیستم سیاسی را فراهم می‌کند، آنجا که امام خمینی می‌گوید:

اگر بخواهید خدمتگزار اسلام باشید، خدمتگزار ملت اسلامی باشید و اسیر در دست ابرقدرت‌ها و آن‌ها که پیوند با ابرقدرت‌ها دارند نباشید، باید دانشگاه و فیضیه و همه آن‌ها که مربوط به دانشگاه‌اند و همه آن‌ها که مربوط به فیضیه هستند در رأس برنامه‌های تحصیلی‌شان برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد (همان: ۱۶۹).

آزادی از سلطه ابرقدرت‌ها که با تهذیب نفس و آزادی روح از قوای شیطانی حاصل می‌شود، زمینه نگاه به درون و پویش درونی یک سیستم سیاسی را فراهم می‌کند. اهمیت خودباوری در دیدگاه‌های امام خمینی(ره) نیز در اینجا معنا می‌یابد. خودباوری در اندیشه امام خمینی(ره) مبنای حرکت و انقلاب فرد مسلمان علیه ظلم و جور و ایجاد نظام سیاسی اسلامی است. می‌توان گفت خودباوری زمینه عینیت یافتن عرفان امام در حوزه سیاست است، یعنی حضرت امام مبتنی بر مقامات عرفانی که داشتند، طرد همه قدرت‌های مادی و توکل و اعتماد به خدا را زمینه احیای خود و تکیه به خویشتن قرار دادند و مردم ایران را به این راه دعوت کردند. امام خمینی بالاترین صدمه مردم ایران از قدرت‌های خارجی را گرفتن استقلال شخصیتی ایرانیان می‌داند و آن را نه یک امر اتفاقی، بلکه «یک مسئله برنامه‌ریزی شده‌ای بود که شخصیت را بگیرند از این کشور»، بنابراین ایشان تأکید زیادی بر خودباوری و اعتماد به نفس داشتند و راه نجات کشور را یک خیزش و قیام عمومی بر مبنای خودباوری می‌دیدند (همان: ۱۱۳-۱۱۷).

در اینجا خودباوری و اعتماد به نفس در تأمل و اندیشیدن به خود و حرکت در صراط مستقیم که از جمله عناصر اصلی پیوند اخلاق و سیاست است، ریشه دارد و بر این مبنای هم امری فردی و هم جمعی محسوب شده، و اساساً یک مسئولیت همگانی تعریف گردیده و امام خمینی(ره) آن را با استناد به حدیث نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» مورد تأکید قرار می‌دهند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۹۳).

مجموع بیانات فوق استعدادها و قوای درونی افراد، به واسطه تهذیب نفس را فعال می‌کند و قوای خودباور و مهذب را امری مشترک در جامعه دانسته و مبنای فعالیت قرار می‌دهد. این دیدگاه به نزدیکی بیشتر سیستم سیاسی با جامعه منجر شده، کارویژه جامعه‌پذیری را در سطح سیستم تعمیق می‌بخشد و میان سیستم و جامعه هماهنگی بیشتری ایجاد می‌کند. جامعه‌پذیری سیاسی که فرایندی برای نهادینه‌سازی ارزش‌های حاکم در جامعه و در میان کارگزاران سیاسی است، زمانی منجر به کارایی و کارآمدی سیستم سیاسی می‌شود که بر مبنای تهذیب نفس و

تربیت روحانی صورت گیرد. از همین منظر ضرورت تربیت در یک سیستم سیاسی دینی از اهمیت زیادی برخوردار است. تربیت، فلسفه بنیادین پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره) را بیان می‌دارد، یعنی سیاست از آنجا باید ماهیتی اخلاقی داشته باشد که ابزاری برای تربیت انسان و رسیدن آن به کمال است. بر همین اساس «مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود. اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۱-۵۳۲). در اینجا تربیت، ماهیتی معنوی و تهذیبی دارد و سبب دوری علم و عالم از فساد می‌شود و باید توجه داشت که «اگر علم در یک قلب فاسد وارد شد، در یک مغز فاسد از جهت اخلاق وارد شد، ضررش بیشتر از نادانی است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۴۹۵-۵۰۷). در مجموع تهذیب نفس به‌عنوان محور اصلی جامعه‌پذیری تربیت‌محور، ارزش‌های جامعه و سیستم را به یکدیگر نزدیک می‌کند و این خود پشتوانه خودباوری و اعتماد به نفس را در جامعه و درون سیستم سیاسی تقویت می‌کند.

بنیان‌گذاری یک سیستم سیاسی بر این مبنا، توجه ویژه‌ای به امکانات و منابع خود خواهد داشت. یک سیستم سیاسی که نقطه اتکای خود را منابع و امکانات داخلی قرار می‌دهد - علاوه بر جامعه‌پذیری که گفته شد - به دلیل هماهنگی سیستم با جامعه، عمل تبدیل خواسته‌ها به تصمیمات سیاسی را با کارایی بیشتری انجام می‌شود. همچنین می‌توان انتظار داشت که خودباوری به دلیل نگاه به درون، توجه بیشتری به تبیین و تجمیع منافع سیستم داشته باشد و چنان‌که پیش‌تر گفته شد بستر سیاست اخلاقی، مفهوم منفعت را در اینجا به معنای خیر و مصلحت متحول می‌کند و این دو مفهوم بیشتر رویکردی عمومی دارد تا فردی.

دیگر این‌که خودباوری سبب می‌شود تا یک سیستم منابع و قوای بیگانه را بر معیار میزان هم‌سوئی آن‌ها با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های درونی ارزیابی و به خدمت می‌گیرد، چنان‌که در سخنان امام خمینی(ره) گزینش و انتخاب آگاهانه منابع وارداتی به دنبال سخن از خودباوری و اعتماد به نفس آمده است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۶) گزینش آگاهانه و خردمندانه منابع فکری و مادی وارداتی و پذیرش یا رد آن‌ها بر مبنای استعدادها و ویژگی‌های داخلی، موجب می‌شود هماهنگی سیستم با جامعه دچار خلل نشود و تعادل آن از بین نرود و به تبع آن کارآمدی سیستم افزایش می‌یابد.

۳.۶. هم‌افزایی و افزایش ظرفیت پاسخ‌گویی

امام خمینی(ره) در گام اول بر دوری گزیدن از اختلافات تأکید دارند و بروز اختلافات و منازعات را برخاسته از عدم تهذیب نفس می‌دانند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۱۳۴) و ففاق و همدلی حاصل از تهذیب نفس که در مفهوم برادری به‌عنوان مهم‌ترین تجلی‌گاه پیوند اخلاق و سیاست، عینیت می‌یابد، رابطه میان اجزاء یک سیستم سیاسی را تحکیم بخشیده و تبادل اطلاعات سیاسی بین کارگزاران و مردم را به‌عنوان یکی از کارویژه‌های سیستمی بیشتر ممکن می‌کند.

تأکید بر وحدت و اخوت میان کارگزاران سیاسی که در اندیشه امام خمینی(ره) مبنایی دینی دارد، عامل اصلی استقلال سیاسی یک کشور است و به بیان ایشان:

صلاح دین و مکتب ما و صلاح مملکت ما این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم ... و تنها در حفظ اتحاد و هماهنگی است که پیروز می‌شویم، و الا شکست خواهیم خورد و دوباره تحت سلطه قدرتی دیگر قرار خواهیم (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۶۱).

یک سیستم سیاسی مستقل، همانند آن چه پیش تر آمد، صاحب انتخاب منابع و امکانات بر مبنای نیازها و اولویت‌های خود است و بنابراین هماهنگی آن با جامعه و به دنبالش تعادل آن سیستم افزایش می‌یابد.

اهمیت وحدت و اخوت می‌تواند در مواجهه با دو موضوع مسئله‌ساز شود. از یک سو وحدت‌انگاری همراه با برادری می‌تواند به نادیده گرفتن تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرها راه ببرد که در این صورت یک سیستم سیاسی توانایی پذیرش دیدگاه‌های مختلف را نخواهد داشت و از سوی دیگر این موضوع می‌تواند به غلبه احساسات و عواطف و نادیده گرفتن نظم، قواعد و برنامه‌ریزی منجر شود. این دو موضوع مورد توجه امام خمینی(ره) بود و ایشان هر دو را رد می‌کنند. در دیدگاه ایشان وحدت و اخوت میان کارگزاران به معنای نادیده گرفتن اختلاف‌نظرها نیست. به بیان امام خمینی(ره) «نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۵۱)؛ بنابراین رشد عقلانی انسان‌ها ملاک است و در اینجا دعوت به وحدت و اخوت زمینه استحکام سیستم سیاسی در قبال تهدیدات خارجی و حفظ استقلال آن و در نتیجه تأمین امنیت، به‌عنوان مقدمه رشد و کمال جامعه را فراهم می‌کند

و پذیرش اختلاف نظرها، زمینه تضارب آرا، افزایش تحمّل دیگری و تفاهم و دوستی را به بار می‌آورد. این وضعیت سبب می‌شود تا توسعه ظرفیت یک سیستم سیاسی جهت پذیرش آرا و تقاضاهای مختلف و درعین حال تبدیل کردن آن‌ها به تصمیمات سیاسی مناسب و در مجموع افزایش ظرفیت پاسخ‌گویی یک سیستم سیاسی حاصل گردد.

از سوی دیگر احساس برادری و نگرش وحدت‌گرایانه به معنای پذیرش هر نوع رفتار و عملکرد، و بی‌توجهی به نظم و برنامه‌ریزی و ردّ سلسله‌مراتب بروکراتیک نیست. از دیدگاه امام خمینی(ره) «باید همهٔ امور بر نظام و نظم باشد... و حفظ نظم از واجبات الهی است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۱۴). امام خمینی(ره) همچنین در وصیت‌نامه سیاسی - الهی، خطاب به حوزه‌های علمیه «تز نظم در بی‌نظمی» را القائاتی از سوی نفوذی‌های «منحرف و تبه‌کار» و «توطئه‌گران» می‌دانند و بر «قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها» و «برنامه دقیق صحیح» برای نجات حوزه از آسیب‌ها تأکید می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۲۵). علاوه بر این‌ها سیره و رفتار امام خمینی(ره) نیز کاملاً بیانگر رعایت نظم و برنامه‌ریزی توسط ایشان است و در این باره واقعیات زیادی از زندگی ایشان نقل شده است (ر.ک: رجائی، ۱۳۸۳ و غلامعلی، ۱۳۷۸).

به این ترتیب وحدت و اخوت از یک سو با انتقادپذیری و رواداری در مقابل دیدگاه‌های مختلف و از سوی دیگر با اهمیت دادن به نظم و برنامه‌ریزی، هم اهداف و ارزش‌های یک سیستم سیاسی را در فرایندی منطقی دنبال می‌کند، یعنی هم به محتوا و ساختار باطنی و هم به صورت و ساختار ظاهری یک سیستم سیاسی اهمیت می‌دهد و رابطه بین آن‌ها را متناسب می‌کند و این تناسب سبب افزایش کارایی یک سیستم و بالا رفتن تعادل آن می‌گردد. این موضوع با قانون‌مداری نیز تقویت می‌شود.

۴.۶. قانون‌مداری و تعادل

امام خمینی(ره) در مواضع متعددی، حکومت اسلامی را مساوی با حکومت قوانین اسلامی دانسته و از جمله می‌گویند: «در اسلام حکومت، حکومت قانون است. حتی حکومت رسول الله، حکومت امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه) حکومت قانون است. یعنی قانون آن‌ها را سر کار آورده است»

(خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۸۱-۲۸۵). خودسازی و تهذیب نفس، مقدمه اجرای قوانین اسلام و ازبین رفتن بی عدالتی و ظلم است. در دیدگاه امام خمینی(ره) رعایت صحیح قوانین و اجرای احکام اسلامی در پیوند با تهذیب نفس است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۳۹۲)؛ بنابراین، در سیاست اخلاقی امام خمینی(ره) توجه به قانون از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

اهمیت قانون و رعایت آن در اندیشه امام خمینی(ره)، نشانه و الزام مهمی از سیاست اخلاقی ایشان است. واضح است که قانون مداری ضرورت اولیه حفظ ثبات و تعادل در یک سیستم سیاسی و جلوگیری از هرج و مرج محسوب می شود و بنابراین بدون رعایت این الزام اساساً سیستم سیاسی موجودیت خود را نمی توان حفظ کند. طبق مبانی انسان شناسانه اخلاق و سیاست از دیدگاه امام خمینی(ره)، شوق و جذبۀ درونی انسان به سوی خداوند در بستر اجرای قوانین الهی - که از آن به صراط تعبیر می شود - امکان می یابد. بر این اساس قانون مندی با قرار دادن انسان در صراط و مسیری که مبتنی بر ویژگی های فطری اوست، می تواند زمینه تجلی استعداد های نیک انسان را فراهم کند و از همین منظر اهمیت نظم و برنامه ریزی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) معنا می یابد. این موضوع در حوزه های مختلف کارآمدی، همچون کارویژه های استخراج منابع مادی و انسانی، نظارت بر افراد و توزیع مطلوب منابع و کارها تأثیر مثبت دارد و عمل تبدیل خواسته ها به تصمیمات سیاسی را مبتنی بر ضوابط و مقررات مشخص و ثابت انجام می دهد. این موارد تأثیر قانون مداری بر جلوگیری از ورود عوامل و عناصر مخلّ و مفسده آمیز به درون یک سیستم سیاسی را نشان می دهد که این خود به حفظ ثبات و تعادل بیشتر یک سیستم سیاسی منجر می شود و در مجموع کارآمدی آن را افزایش می دهد.

علاوه بر این در اندیشه امام خمینی(ره)، قانون مندی رابطه وجودی با عدالت دارد. پیش از این موضوع باید گفت از دیدگاه امام خمینی(ره) هدف تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(ص) و امام علی(ع)، بسط عدالت اجتماعی بود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۶۰؛ ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۰۷-۴۰۵ و ج ۷: ۴۰۶). حال رابطه قانون و عدالت از این بیانات امام خمینی قابل استنباط است، آنجا که می گویند: «در اسلام قانون است، همه تابع قانون اند و قانون هم قانون خداست، قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است» (همو، ۱۳۷۸، ج ۹: ۴۲۵).

این بیان به این معناست که چون قوانین نظام سیاسی اسلام برخاسته از عدل الهی است، بنابراین اجرای آن مساوی با بسط و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است. اجرای عدالت اجتماعی در جامعه نیز با انجام اقداماتی همچون: تعدیل مادیات با هدف رسیدن به الهیات، (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۷) نگاه متعادل به سرمایه (همان، ج ۸: ۴۷۰)، رعایت حقوق همه افراد کشور (همان، ج ۶: ۴۶۸) و فراهم کردن سعادت همگانی (همان، ج ۷: ۲۸۹) امکان می‌یابد. به این ترتیب قانون‌مندی کارکردهای حکومت دینی را با نگاه به عدالت تحقق می‌بخشد. عدالت بستر و مبنای قانون و قانون‌مندی زمینه انجام مطلوب کارکردها و افزایش کارآمدی تلقی می‌گردد.

۶. ۵. مسئولیت‌پذیری و بازنگری

مسئول دانستن کارگزاران در زمینه ارزیابی تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌های سیستم سیاسی و اصلاح خطاها و اشکالات، از جمله تأکیدات بسیار مهم امام خمینی (ره) است که در همان سیاست اخلاقی ایشان و موضوع احساس مسئولیت فرد مسلمان در قبال جامعه اسلامی ریشه دارد. ایشان بر مبنای حدیث پیامبر اکرم (ص)، «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، همه کارگزاران و مردم را در مقابل «خدا» و «وجدان» مسئول دانسته و این موضوع را برخاسته از ضرورت امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند (معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۰۵).

همچنین تأکید امام خمینی بر نظارت همگانی بر قدرت سیاسی، در واقع نوعی بازخوردگیری با مشارکت مردم است، یعنی علاوه بر وجود نهادهای مردمی همچون مجلس شورای اسلامی، دعوت مردم به ناظر بودن بر اقدامات مسئولان بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر، از جمله موضوعات مهم در اندیشه امام خمینی است (همان: ۱۰۵-۱۰۶).

جلوگیری از خطاها و اشتباهات و امر به معروف و نهی از منکر در دیدگاه حضرت امام (ره) یک رویکرد ارشادی صرف نیست، بلکه آنچه درباره تأکیدات ایشان بر قانون‌محوری آمد، بیانگر برابری همگان در برابر قانون و نقش تعیین‌کننده قانون جهت تشخیص درست از نادرست است. به این ترتیب در اندیشه امام خمینی (ره) سیاست‌گذاری، بدون توجه به آثار

اجرای سیاست‌ها بر جامعه، اقتصاد، فرهنگ و... صحیح نیست و سیستم سیاسی نباید رویکردی تحمیلی نسبت به جامعه داشته باشد. حال سؤال مهم این است که آیا یک سیستم سیاسی باید هر نوع رضایت یا عدم رضایت مردم را مورد توجه قرار داده و کاملاً بر مبنای خواست مردم به سیاست‌گذاری اقدام کند؟ دو موضوع ضرورت قانون‌مندی و سیاست اخلاقی و تهذیبی به این سؤال پاسخ می‌دهند. سیستم سیاسی درعین حال که موظف است از سلطه‌گری و یک‌جانبه‌گرایی دوری کند و به مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در قبال جامعه توجه داشته باشد، با اهمیتی که به آموزش و پرورش، به‌عنوان فرایند اصلی جامعه‌پذیری سیاسی می‌دهد، جامعه را بر محور ارزش‌های خود تربیت کرده و ترجیحات آن‌ها را بر این اساس شکل می‌دهد و یا دست کم از تأثیرگذاری عواملی که سبب تغییر ترجیحات جامعه به‌سوی ضدارزش‌ها می‌شود جلوگیری می‌کند. از همین منظر حضرت امام(ره) در بیانات مختلف، و از جمله در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود توجه ویژه‌ای به هوشیاری در مقابل تبلیغات دشمن و نیفتادن در دام آن‌ها دارند (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۹۱-۴۵۱).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا با تبیین رابطه اخلاق و سیاست در دیدگاه امام خمینی(ره)، درهم‌تنیدگی و رابطه متقابل این دو موضوع را در اندیشه‌های حضرت امام(ره) روشن گردید و سپس با تبیین چستی کارآمدی و ضرورت ابتدای آن بر اخلاق، تلاش شد تأثیر سیاست اخلاقی امام خمینی(ره) بر موضوع کارآمدی بیان شود. نتایج حاصل از این بحث نشان می‌دهد درهم‌تنیدگی اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره)، مردم و به‌ویژه طبقات پایین را عامل راهیابی (و ولی‌نعمتان) کارگزاران جمهوری اسلامی به قدرت می‌داند و بر این مبنا سیستم سیاسی موجود هیچ‌گاه نمی‌تواند بی‌توجه به مردم بوده و یا سیاست‌های خود را یک‌سویه بر جامعه تحمیل کند. سیستم سیاسی باید در کنار و هم‌جوار با مردم و پذیرای تقاضاهای مختلف آن‌ها باشد و این البته رویکرد کلی سیستم است. به‌صورت دقیق‌تر، سیستم با پذیرش این خواسته‌ها و تقاضاها، آن‌ها را بر مبنای یک سیاست اخلاقی مهدب و با نگاه به ارزش‌های حاکم و در جهت خیر و مصلحت عمومی به سیاست‌گذاری تبدیل می‌کند. این

رویگرد هم به ثبات و پایداری نظام سیاسی می‌اندیشد و هم به خواسته‌ها و تقاضاهای جامعه. تأکید بر تهذیب نفس کارگزاران سیاسی و تأثیر بنیادین این موضوع بر اعتمادبه‌نفس، سیستم را به سوی خودجوشی و فعالیت درون‌زا سوق می‌دهد و این وضعیت، بار دیگر پایداری و مردم‌داری را بیشتر تقویت می‌کند. در این فرایند، علاوه بر تأکیدات اخلاقی، نقش قانون و نظارت‌های قانونی و همچنین امر به مسئولیت‌پذیری و انتقادپذیری کارگزاران سیاسی و نظارت همگانی مردم بر قدرت، سازوکارهایی برای نگه داشتن سیستم در مسیر درست و جلوگیری از بروز فساد، به معنای منفعت‌طلبی کارگزاران سیاسی هستند و مجموع این شرایط کارآمدی نظام سیاسی را در سه حوزه دریافت تقاضاهای جامعه، پردازش و سیاست‌گذاری افزایش می‌دهد. همه این‌ها برخاسته از این ایده بنیادین امام خمینی(ره) است که سیاست را بستر رشد و پرورش فضایل اخلاقی و عقلانی جامعه می‌داند؛ بنابراین، تبیین و تبلیغ این موضوع مهم‌ترین راهکار افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد.

منابع

- ابراهیم‌زاده، حسن (۱۳۸۶)، *اخلاق سیاسی (امام خمینی و مفاهیم اخلاقی ۱)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹)، *اخلاق و سیاست؛ رویکردی اسلامی و تطبیقی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۱)، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).
- ارسطو (۱۳۹۰)، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسلامی، حسن (۱۳۸۱)، *امام، اخلاق، سیاست*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- اشتراوس، لئو (۱۳۸۷)، *فلسفه سیاسی چیست؟*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلموند، گابریل؛ پاول، بینگهام و مونت، رابرت (۱۳۷۶)، *چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- برتران، بدیع (۱۳۹۳)، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، چاپ هفتم، تهران: قومس.
- بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۲)، *اخلاق سیاستمداری*، قم: نشر معارف.
- بهروزی لک، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۸)، *«شاخص‌های کارآمدی دولت در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی»*، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۲، شماره ۸۷.
- جمشیدی، محمدحسین و توکلی، امید (۱۳۹۸)، *رابطه سیاست و اخلاق در اندیشه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۴)، *آداب صلوة (آداب نماز)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۹۲ الف)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۹۲ ب)، *شرح جهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۸۷)، *صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی(ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۷۹)، *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

- خواجه نظام الملک، ابوعلی حسن بن علی ابن اسحاق طوسی (۱۳۲۰)، *سیاست‌نامه*، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
- دوفوشه کور و شارل هانری (۱۳۷۷)، *اخلاقیات؛ مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری*، ترجمه محمدعلی امیرمعزی و علی محمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- رجائی، غلامعلی (۱۳۸۳)، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی(ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- سیف‌زاده، سید حسن (۱۳۸۸)، *مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست*، تهران: نشر میزان.
- شاهجویی، محمدامین (۱۳۸۱)، *بنیان مرصوص امام خمینی (ره) در بیان و بنان حضرت آیت‌الله جوادی آملی*، قم: انتشارات اسرا.
- شبر، سیدعبدالله (۱۳۷۴)، *اخلاق*، ترجمه محمدرضا جباران، قم: انتشارات هجرت.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (بی‌تا)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، بی‌جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- غلامعلی، مهدی (۱۳۷۸)، *سبزتر از سبزه؛ چهل روایت، چهل حکایت از زندگی امام خمینی (ره)*، تهران: کمیته فرهنگی صدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- قاسم، فرج‌الله (۱۳۸۹)، *کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران*، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲.
- لکزایی، رضا (۱۴۰۰)، *نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۴، شماره ۹۴.
- لکزایی، نجف و لکزایی، رضا (۱۳۹۲)، *نظام اخلاق سیاسی امام خمینی(ره)*، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره شش.
- الفاخوری، حنا و جر، خلیل (۱۳۸۶)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۴)، *جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، تبیان آثار موضوعی، دفتر سی و پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب(ع).

-
- نراقی، مولی مهدی (۱۳۸۹)، *علم اخلاق اسلامی*، ترجمه سیدجلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
- Almond G, Powell B (1966), *Comparative Politics: a Developmental Approach*, Boston: Little Brown and Co.
- Ciulla, Joanne B, “*Ethics Effectiveness: The Nature of Good Leadership*”, *The Nature of Leadership*, 2nd ed, Los Angeles, CA: SAGE.
- Gordon, John - Stewart (2013), *Modern Morality and Ancient Ethics*, Internet Encyclopedia of Philosophy, in: <https://iep.utm.edu/modern-morality-ancient-ethics>.
- Reeve, C.D.C, *Practical of Reason; Aristotle Nicomachean Ethics*, Oxford University Press.
- <http://www.imam-khomeini.ir/fa>